

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویکتور پیروژنکو (Victor PIROZHENKO)، نویسنده، خاورشناس
برگردان: ا.م. شیرینی
۱۵ می ۲۰۲۵

دیدگاه قابل درک و احترام چینی‌ها در باره جنگ جهانی دوم



[مطالعه تاریخ و درس‌آموزی از آن، رکن اصلی و اساسی مبارزه برای صلح و امنیت جهانی است. امروزه سرمایه‌داری جهانی در اثر ایجاد بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به تبع آن، مغزشونی گسترده، اعداد و ارقام را چنان کوچک و بی‌اهمیت کرده است که کسی به ابعاد آن‌ها فکر نمی‌کند. مثلاً خیلی راحت گفته می‌شود: در جنگ جهانی اول، فلان میلیون انسان کشته شد، در جنگ جهانی دوم بیش از ۸۰ میلیون انسان قربانی اهداف فاشیسم سرمایه‌داری گردید، در جنگ‌های مرنی و نامرنی غرب به سرکردگی امپریالیسم امریکا طی جنگ‌ها برای صدور «دموکراسی» و «حقوق بشر» از یوگسلاوی تا فلسطین در طول چهار دهه اخیر، بیش از ۳۰ میلیون انسان کشته شده و کشتار هنوز ادامه دارد... اما کسی به این توجه نمی‌کند که فقط برای شمردن ساده رقم یک میلیون، با روزانه ۱۲ ساعت شمارش، ۹۳ روز وقت لازم است. انسان مور و ملخ نیست، هر چند مور و ملخ نیز جان دارد؛ درک ابعاد رقم میلیون به جای خود، کشته شدن حتی یک انسان هم فاجعه است. بنابراین، صلح و امنیت نیازمند سعی و کوشش برای تشکیل ائتلاف جهانی علیه حزب جنگ سرمایه‌داری است.] شیرینی

دیدگاه‌های روسیه و چین تصویر کاملی از پیشینه، علل و روند جنگ جهانی دوم را تشکیل می‌دهند و با واقعیت‌ها مطابقت کامل دارند.

حضور شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین در رژه پیروزی در مسکو در ۹ ماه می و همچنین تبریک روز پیروزی به مردم روسیه، بار دیگر این واقعیت را تأیید کرد که چین متحد وفادار و قدرتمند روسیه در مبارزه با جعل تاریخ به واسطه غرب و متحدانش در آسیا، در دفاع از دیدگاه صحیح جنگ جهانی دوم است. تفسیر چینی‌ها از جنگ جهانی دوم، اگرچه با تفسیر روسی متفاوت است، اما در حالی کلی، با آن در تضاد نیست. امروزه، دیدگاه‌های روسیه و چین در کنار هم تصویر کاملی از پیشینه، علل و روند جنگ جهانی دوم را تشکیل می‌دهند و با واقعیت‌ها مطابقت کامل دارند.

در حال حاضر، چین در تمام سطوح با نکات زیر موافق است:

- * - جنگ جهانی دوم، یک جنگ جهانی ضد فاشیستی بود و آلمان هیتلری، ایتالیای موسولینی و جاپان میلیتاریست، هر سه به نوعی از ایدئولوژی فاشیستی پیروی می‌کردند؛
- * - جنگ بین چین و جاپان و به تبع آن، جبهه عملیات نظامی در آسیا، به همراه صحنه‌های عملیات نظامی در اروپا و اقیانوس آرام، بخشی جدایی‌ناپذیر از جنگ جهانی ضد فاشیستی به شمار می‌رفت؛
- * - چین، به همراه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، آمریکا و انگلستان، در جنگ جهانی ضد فاشیستی به عنوان پیروزمندان اصلی شناخته می‌شود. سهم چین در پیروزی کلی بر فاشیسم جهانی را نباید دست کم گرفت؛ سهم چین به عنوان مهم‌ترین عامل پیروزی بر جاپان، حداقل با سهم سه شرکت‌کننده دیگر قابل مقایسه است؛
- * - در مراحل مختلف مبارزه چین علیه تجاوز جاپان، ارائه کمک‌های قابل توجه از سوی متحدان، پیروزی بر جاپان را نزدیک‌تر کرد. این کمک‌ها باید به خاطر سپرده و قدر دانی شود، و یاد سربازان خارجی کشته شده در نبرد با مهاجمان جاپانی در خاک چین، باید گرامی داشته شود.
- اصطلاح «جنگ جهانی علیه فاشیسم» همراه با یک تغییر عمده دیگر در سیاست و حافظه تاریخی در ده سال گذشته در چین رواج یافته است. تغییری که هدف آن خارج کردن جنگ با متجاوزان جاپانی از زیر سایه جنگ داخلی میان حزب کمونیست چین و کومینتانگ است که همزمان با جنگ جاپان و چین جریان داشت.
- پیروزی حزب کمونیست چین در جنگ داخلی و به قدرت رسیدن آن، حتی در سطح نمادین، برای مدت طولانی در اولویت قرار داشت. زیرا، پیامد مستقیم آن تأسیس جمهوری خلق چین مدرن در اول اکتوبر ۱۹۴۹ بود. این روز به عنوان یک «روز با حروف سرخ» در تقویم جشن گرفته می‌شود و ۳ سپتمبر، روز بعد از امضای سند تسلیم جاپان، اگرچه به عنوان «سالگرد پیروزی مردم چین در جنگ مقاومت علیه تجاوز جاپان» جشن گرفته می‌شد، اما یک روز کاری بود.
- ده سال پیش، این شکاف در خط کلی تداوم تاریخ چین بر طرف شد – اهمیت روز پیروزی بر جاپان افزایش یافت و سوم سپتمبر به تعطیل ملی تبدیل شد.
- این تغییر در سیاست و حافظه تاریخی چین نشان‌دهنده افزایش نقش آن در سیاست جهانی بود. لازم بود بر سهم چین در شکل‌گیری نظم جهانی مدرن که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، تأکید شود. سهم چین در پیروزی عمومی بر فاشیسم جهانی از اهمیت بزرگی برخوردار است و به تاریخ جهان تعلق دارد. در حالی که به قدرت رسیدن کمونیست‌ها و تشکیل جمهوری خلق چین یک رویداد با شکوه، در وهله اول، در تاریخ خود چین است.
- علاوه بر این، چین بر این واقعیت تأکید می‌کند که «در جنگ ضد فاشیستی، چین اولین نبرد میدان بود». زیرا، شمارش معکوس عملیات نظامی تمام عیار و مداوم از ۷ جولای ۱۹۳۷، از زمانی آغاز شد که جاپان به بهانه واهی (حادثه پل

لوگوکیانو در حومه بیجینگ) به چین حمله کرد. در چین این دیدگاه کاملاً رایج است و می‌خواهند باور داشته باشند که آغاز جنگ چین و جاپان را باید حتی زودتر - از سال ۱۹۳۱، از زمانی که جاپان شمال شرقی (منچوری) را به زور تصرف کرد و در آنجا دولت دست‌نشانده مانچوکوئو را تأسیس کرد، دانست.

با توجه به معنای جنگ جهانی دوم به عنوان مبارزه علیه دولت‌های مروج و حامل ایدئولوژی نابرابری نژادی و قومی خلق‌ها، دیدگاه چینی‌ها مبنی بر آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۷، یعنی از آغاز تجاوز مسلحانه تمام عیار جاپان - یکی از اعضای پیمان سه‌جانبه قدرت‌های فاشیستی مرتبط با ایدئولوژی علیه چین، یا حتی قبل از آن، در سال ۱۹۳۱ - کاملاً موجه است و شایسته بررسی جدی در روند دور شدن از مفهوم اروپامحور جنگ جهانی دوم است.

بر اساس این تاریخ‌ها، به نظر مؤرخان چینی «چین بیش از همه مبارزه کرده» و در مبارزه با فاشیسم جهانی متحمل خسارات عظیمی شده است. این خسارات نه تنها شامل تلفات جنگی ارتش جمهوری خلق چین و ارتش چریکی حزب کمونیست، بلکه عمدتاً شامل تلفات غیرنظامیان نیز می‌شود.

اشغال بخشی از چین توسط جاپان، کاملاً شبیه اشغال بخشی از اتحاد جماهیر شوروی توسط آلمان، جریان بی‌پایان قتل‌های عام بی‌رحمانه، شکنجه و آزار و اذیت غیرنظامیان و اسیران جنگی بود. یکی از سنگین‌ترین جنایات فاشیسم جاپانی، «قتل عام نانجینگ» بود که طی آن، طبق برآوردهای مختلف، از ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر از ساکنان نانجینگ، پایتخت وقت چین، قربانی شد.

تعداد کل قربانیان چینی در نتیجه تجاوز جاپانی‌ها متفاوت اعلام شده است. اما رقم ۳۵ میلیون قربانی مورد قبول عموم در چین است. با این حال، مؤرخان غربی این رقم را اغراق‌آمیز تلقی می‌کنند. اما صرف نظر از جزئیات، چین همراه با اتحاد جماهیر شوروی، بیشترین تلفات را در جنگ جهانی دوم متحمل شد. این تلفات به میلیون‌ها نفر کشته اعم از نظامی و غیرنظامی برآورد می‌شود. در این باره جایی برای بحث باقی نیست.

کارشناسان چینی خاطرنشان می‌کنند که مقاومت مسلحانه چین در برابر تجاوز جاپان، عامل بازدارنده مهمی بود در مقابل حمله جاپان به اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ کبیر میهنی.

منظور این است که «نبرد خونین سربازان و غیرنظامیان چینی» تعداد زیادی از نیروهای جاپانی را درگیر کرد. در غیر این صورت، آن‌ها «به جبهه اقیانوس آرام منتقل می‌شدند» و «مشکلات جدی برای اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا و انگلیس» ایجاد می‌کردند. در جمهوری خلق چین، بر این باورند که جاپان، به عنوان یکی از مقصران جنگ جهانی دوم، اکثر نیروهای خود - تا یک و نیم میلیون نفر - را در میدان نبرد چین از دست داد.

در عین حال، چین «حمایت فعال جامعه جهانی» را که بدون آن «پیروزی مردم چین در جنگ مقاومت علیه تجاوز جاپان غیرممکن بود»، به خاطر دارد و از آن قدردانی می‌کند.

چینی‌ها کمک‌های اتحاد جماهیر شوروی را که از اواخر سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۸ تسلیحات، مهمات و آذوقه مورد نیاز فوری ارتش و غیرنظامیان چین را از طریق جاده سین کیانگ-اویغور به یین آن (پایگاه اصلی حزب کمونیست چین) حمل می‌کرد و همچنین، آموزش کادرهای نظامی برای چین، به ویژه، تأسیس آکادمی نظامی مدرن در اورومچی در پایان سال ۱۹۳۷ را به یاد دارند؛ در سال ۱۹۴۲، ۳۶۰ تکنسین نظامی پس از اتمام تحصیلات خود به یین آن بازگشتند و به نخستین نخبگان نظامی-فنی ارتش حزب کمونیست چین تبدیل شدند.

چینی‌ها مشارکت نیروهای شوروی در آزادسازی شمال شرقی چین (شکست ارتش کوانتونگ در منچوری) که «فروپاشی امپریالیسم جاپان را تسریع کرد»، ارج می‌نهند؛ ایالات متحده آمریکا تحت قرارداد لندلیز [وام و اجاره]

هواپیما و توپخانه به چین تحویل داد؛ امریکا و انگلیس با مشارکت در تدوین اعلامیه قاهره در سال ۱۹۴۳، از خواسته‌های چین مبنی بر بازگرداندن تمام سرزمین‌های تصرف‌شده توسط جاپان، از جمله جزیره تایوان، حمایت کردند. جامعه چین به نقش اتحاد جماهیر شوروی در آزادسازی کشورشان از اشغال جاپان احترام زیادی قائل است. به گفته ایوان زونکو، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات پژوهشکده دولتی روابط بین‌الملل مسکو، در خاک جمهوری خلق چین ۸۳ یادواره و همچنین، ۷۱ یادمان، از جمله ۲۳ مجسمه یادبود سربازان شوروی که در چین جان باخته‌اند، وجود دارد و همگی بدرستی فهرست‌بندی شده و به شکل کم‌نظیری نگهداری می‌شوند.

لازم به توجه است که چین ضمن یادآوری و قدردانی از سهم متفقین، بشدت با کم‌اهمیت جلوه دادن سهم خود در پیروزی نیروهای ضد فاشیست در جنگ جهانی دوم مخالف است و موضع خود را با تحقیقات تاریخی دقیق، کشف حقایق جدید و تفسیر چندوجهی از حقایق شناخته شده قبلی، تقویت می‌کند.

اصطلاح «جنگ جهانی دوم» به عنوان یک مفهوم علمی متعارف، تعمیم انبوهی از واقعیت‌های است که به عملیات نظامی نسبتاً یا کاملاً جداگانه در صحنه‌های مختلف جنگ شوروی-آلمان (جنگ کبیر میهنی)، شوروی-جاپانی، چینی-جاپانی، اروپای غربی (جبهه دوم) و غیره مربوط می‌شود.

بنابراین، کشورهای مختلف جبهه ضد فاشیستی، نه تنها تاریخ‌های متفاوتی برای ورود به جنگ ذکر می‌کنند، بلکه هر یک آن‌ها بسته به وظایف دولتی، دشواری‌ها و روایت‌های تاریخی خود در چارچوب جنگ جهانی دوم، طبیعتاً تعاریف و نمادهای نظامی ویژه خود را دارند.

همه این موارد در باره دیدگاه قابل درک و احترام چین در مورد جنگ جهانی دوم کاملاً صدق می‌کند. در چین توجهات را به استفاده برخی از سیاستمداران غرب و جاپان از ابزارهای مختلف برای پنهان کردن و تحریف تاریخ جنگ جهانی دوم یا برای کسب منافع سیاسی و تقویت موقعیت خود از طریق سفیدشویی فاشیسم جلب می‌کنند. در این زمینه، موضع مشترک چین و روسیه در شکلهی به درک صحیح از تاریخ جنگ جهانی دوم، حفاظت از نتایج پیروزی در جنگ و نظم بین‌المللی پساجنگ و همچنین، حمایت از عدالت بین‌المللی، به عنوان یک اصل مهم برای حفظ صلح محسوب می‌شود.

بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۲۴ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۴